



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۰/۰۶/۱۸



اسحق نگار گر

مفهوم می و میخانه در ادبیات عرفانی

بیفشان زلف و صوفی را به پا بازی و رقص آور
که از هر رقصه دلکش هزاران بُت بیفشانی (حافظ)

میگویند لفظ مُلا از مَله به معنای پُر آمده است اما بدبختانه برخی از مُلاها آنقدر از خرد و سواد تهی هستند که از این دیدگاه با لفظ مُلا در تضاد می افتند و اما غالب مُلاها از عَجب و خود بینی و غرور چنان پُر هستند که در هر زمینه بدون مطالعه کافی حکم صادر و قضاوت میکنند و چون گفته اند که فساد عالم فساد عالم است نه تنها خود را که مقتدیان خود را نیز در گرداب عَجب و نادانی غرق میکنند. اگر صحبت از نوروز شد مُلا رگ گلو می پنداند و حکم میکند حرام است و اگر حرف موسیقی به میان آمد بدون کوچکترین دانش در باره اثر آرام کننده موسیقی بر روان آدمی لستی از ضرر های موسیقی را قطار میکند و اگر کسی در مورد صلاحیت عالیجناب ابراز شک و تردید کرد چماق تکفیر او بلند میشود.

چون امروز پیشرفت تکنالوژی معلوماتی به اصطلاح مزاری ها چنان «ملاخور» گردیده است که جناب مُلا نیز راه خود را به سوی انترنت و فیس بُک نیز باز کرده و همان عَجب و خود بینی را با خود به دنیای انترنت و فیس بُک نیز آورده است.

یکی از مسلمات دنیای ادبیات که مُلا نمیداند و نمی خواهد که بداند این موضوع بدیهی است که هر کلمه در معنی های وضعی؛ تشبیهی؛ استعاری؛ مجازی و بالاخره سمبولیک به کار میرود و به طور مثال وقتی گفته میشود: «مُلا بر شر و فساد چون شیر حمله میکند» اینجا کلمه «شیر» به معنای تشبیهی به کار رفته است و اگر کسی این علاقه را در نظر نگیرد و به معنای وضعی لفظ «شیر» فکر کند و تمام خصوصیت ها و صفات شیر را به مُلا بدهد اشتباه میکند و از مقصود گوینده دور می افتد.

یکی از مُلا صاحبان که سخت پُر از عَجب و خود بینی و خالی از دانش ادبی است مثل اینکه بیچاره حافظ در مجلس وعظ او حضور داشته باشد با نوعی تمسخر بیٹی از آغازین غزل دیوان حافظ میخواند:

به می سجاده رنگین کن گرت پیر مغان گوید
که سالک بیخبر نبود ز راه و رسم منزل ها
و میگوید: این بدبخت چه می گوید: جای نمازت را به شراب بشوی، و آنگاه نظری «عنایت» خود را شامل حال پیر خراباتیان بلخ و قونیه یعنی حضرت مولانا میکند و میگوید: «او مثنوی خو هیچ قابل خواندن نیست!» این بیچاره مُلا نمی داند که حافظ قبلاً برای او جواب خود را داده و گفته است:

حسد چه میبری ای سست نظم بر حافظ
قبول خاطر و لطف سخن خدا داد ست

مُلا های شکل گرا و خام در طول سالها بارها به مردم گفته اند که دیوان حافظ و مثنوی نخوانند ولی این دو شاعر عارف همیشه مؤنس دلهای مردم باقی مانده اند.

من این یادداشت را تنها بدین دلیل مینویسم که مفهوم «می» و «ساقی» را در ادبیات عرفانی روشن کنم که اگر جناب مُلا قصد یادگیری داشته باشد می آموزد و میداند که اگر بر این شاعران عارف شمشیر کشد در حقیقت بر آینه شمشیر میکشد و شمشیر کشیدن بر آینه همان شمشیر کشیدن بر خود است.

«می» در اصطلاح شاعران عارف غلبه عشق و اخلاص است. حضرت مولانا میگوید:

زبان میی کان می چو نوشیده شود
آب نطق از گنگ جوشیده شود
طفل نو زاده شود حبر و فصیح
حکمت بالغ بخواند چون مسیح

و باز مولانا میگوید:

الله چون که عارف گفت می
فهم تو چون باده شیطان بود
پیش عارف کی بود معدوم شی
کی ترا فهم می رحمان بود

عطار میگوید:

چون می تحقیق خورد؛ درح رَم کبریا
باز عطار میگوید:

که هر دو بر من مسکین حرامست
نه در میخانه کاین خمار خامست
بجویید ای عزیزان کاین کدامت
حریفم قاضی و ساقی امامست
نمیدانم که آن بُت را چه نامست
که سرور کیست؛ سرگردان کدامت

ره میخانه و مسجد کدامت
نه در مسجد گذارندم که رندی
میان مسجد و میخانه راهیست
مرا کعبه خراباتست امروز
به میخانه امامی مست خفتست
بـرو عطار کو خود میشناسد

و بالاخره شاه نعمت الله ولی میگوید:

ناقص نتوان گفت که او رند تمامست
خود خوشتر ازین دولت جاوید کدامت
دام بُود آن ساقی و آن عشق مدامست
بینام و نشان هرکه شُود نیک به نامست
این می نه شرابیست که در شرع حرامست

در گوشه میخانه کسی را که مقامست
از روز ازل تا به ابد عاشق و مستیم
با ساقی رندان خرابات حریفیم
بی نام و نشان شوکه در این کوی خرابات
می نوش می عشق که پاکست و حلالست

اکنون دیگر با این تفصیل جنابِ مُلا باید فهمیده باشد که حافظ می گوید: «سجاده ات را با می عشق و اخلاص رنگین کن که این است آنچه سالک یعنی عارفِ کامل عارفی فارغ از حُب و بغض نسبت به اشخاص از تو میخواهد که این سالک راه حق از خم و پیچ و فراز و نشیب راه حق جویی خوب آگاه است و اتفاقاً همین حافظ در بیته دیگری میگوید:

خدا زان خرقة بیزار است زنهار که صد بت باشدش در آستینی

و این بتهای ریا کاری؛ عجب؛ خود بینی؛ غرور طاعت؛ مردم آزاری؛ وبت های دیگر است.
فاعتبروا یا اولی الابصار نگارگر ۱۷ جون ۲۰۱۹ برمنگهم

بر گرفته از صفحه فیسبوک استاد نگار گر